

## الگوی روابط ایران و عربستان: از رقابت تا خصومت

محمد صداقت<sup>۱</sup>

### چکیده

ایران و عربستان به علت موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک از اهمیت بالایی در خاورمیانه و خلیج فارس برخوردار هستند. علاوه بر این، دو کشور به عنوان دو نماد تشیع و تسنن به نوعی رهبری دو مذهب مهم اسلامی را بر عهده دارند. این عوامل باعث رقابتی روزافزون بین دو طرف در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی شده است. در دوران قبل از انقلاب دو کشور محورهای اصلی در طرح دو ستونی آمریکا در خلیج فارس بودند، اما در عین حال رقابت بین طرفین در حوزه‌های سیاسی و انرژی وجود داشت. با پیروزی انقلاب اسلامی عنصر ایدئولوژی و مذهب نیز به این رقابت افزوده شد. رقابت دو کشور بر روابط فی مابین تأثیر بسزایی داشته است. در این بین زمانی دو طرف بر سر مسائل منطقه‌ای، فرهنگی و مذهبی رو در روی یکدیگر قرار گرفته‌اند و گاه بر سر منافع مشترک باهم همکاری کرده‌اند. سوال اصلی در این نوشتار که با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، این است که رقابتی که امروزه در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و مذهبی بین ایران و عربستان جریان دارد چه تأثیری بر مناسبات دو طرف و آینده سیاسی خاورمیانه خواهد داشت؟ فرضیه نوشتار نیز این است که به علت غالب بودن عوامل سیاسی و به خصوص ایدئولوژیک در رقابت دو کشور چشم‌انداز روشنی برای بهبود روابط دو طرف در کوتاه مدت وجود ندارد، امری که می‌تواند آینده سیاسی خاورمیانه را به سمت بی‌ثباتی هر چه بیشتر سوق دهد.

واژگان کلیدی: عربستان، ایران، روابط، رقابت.

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد مطالعات منطقه‌ای گرایش آسیای مرکزی و قفقاز دانشگاه تهران، مدرس مدعو دانشگاه پیام نور

## مقدمه

این عوامل هستند (DaZI- Heni, Fatiha: 2014).

هدف ما در این نوشتار بررسی روابط دو طرف و عوامل تأثیرگذار در چالش طرفین می‌باشد. بنابراین ابتدا پیشینه روابط ایران و عربستان در دوره حکومت پهلوی و بعد از انقلاب را ارائه خواهیم نمود سپس به بررسی شاخص‌های تأثیرگذار در رقابت دو کشور خواهیم پرداخت. این شاخص‌ها در سه حوزه سیاسی، اقتصادی و مذهبی، ایدئولوژیک تقسیم شده‌اند. حوزه سیاسی مربوط به رقابت در حوزه‌هایی از قبیل عراق، پرونده هسته‌ای و بهار عربی می‌شود، رقابت در حوزه اقتصادی به بررسی تنش در حوزه انرژی و به خصوص نفت می‌پردازد و نهایتاً حوزه مذهبی و ایدئولوژیک نیز اشاره به تنش‌های مذهبی دو کشور به عنوان دو الگوی اسلام شیعی و سنی دارد.

**چارچوب نظری: از واقع‌گرایی تدافعی تا جنگ نیابتی**

واقع‌گرایی تدافعی به رابطه میان آنارشی و الزامات نظام بین‌الملل از یک سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارد، اما این رابطه را پیچیده‌تر می‌بیند. واقع‌گرایی تدافعی توجه کمتری به نظام بین‌الملل و اثر آن بر سیاست خارجی دولت‌ها دارد و در مقابل بر سیاست داخلی کشورها توجه بیشتری نشان می‌دهد. در چارچوب واقع‌گرایی تدافعی، تعارض‌های موجود در نظام بین‌الملل قابل کنترل و به معنای آن است که واکنش به یک تهدید تهاجمی نبوده، بلکه پاسخی بازدارنده در جهت ایجاد موازنه، بازداشتن رقیب و تأمین امنیت مطلوب خواهد بود. در این نظریه تأکید بر اهمیت موازنه تهدید به جای موازنه قدرت است. والت به عنوان یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان واقع‌گرایی

ایران و عربستان به عنوان دو قدرت بزرگ تأثیر بسیاری در ترتیبات منطقه‌ای در خاورمیانه و خلیج فارس دارند. به علت ویژگی‌های خاص هر یک از این دو کشور و جایگاه آن‌ها در خاورمیانه و جهان اسلام روابط دو طرف همیشه مشحون از رقابت و همکاری، تضاد و وفاق در مقاطع مختلف زمانی بوده است. در دوران پهلوی این دو کشور در حوزه بلوک غرب تعریف می‌شدند بنابراین روابط فیمابین در این دوران عمدتاً دوستانه و بر محور همکاری استوار بود. اوج روابط طرفین در زمان پهلوی به دوران ریاست جمهوری نیکسون بر می‌گردد که ایران و عربستان به عنوان دو محور اصلی در سیاست دو ستونی آمریکا در خلیج فارس تعریف می‌شدند، ایران به عنوان محور نظامی و عربستان نیز به عنوان محور اقتصادی. با بروز انقلاب اسلامی و به علت ویژگی‌های فرامرزی و ایدئولوژیک انقلاب ایران دوره‌ای از تعارض و کشمکش در روابط دو طرف آغاز شد، اما با پایان یافتن جنگ از شدت تعارض طرفین کاسته و دوره‌ای از تعامل نسبی در روابط دو کشور به وجود آمد. حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و سقوط صدام منجر به تشدید رقابت ژئوپلیتیکی و ایدئولوژیکی بین ایران و عربستان شد. این رقابت اخیراً با وقوع بهار عربی و به قدرت رسیدن حاکمان جدید در عربستان با کشمکش‌های سیاسی به منظور به دست آوردن نفوذ و دفاع از منافع به منظور رهبری منطقه تبدیل به خصومت شده است. عوامل مختلفی را می‌توان در توسعه این خصومت دخیل دانست که عبارتند از نفوذ هژمونی ایران در خاورمیانه، برنامه هسته‌ای این کشور و بهار عربی در قالب حوادث سوریه، بحرین و یمن از جمله



یک کشور خاص در جنگ هستند معمولاً به دنبال منافع و هدف‌های شخصی خود نیز هستند که ممکن است با منافع و هدف‌های کشور حامی آنها در برخی موارد متفاوت باشد و از کنترل نیز خارج شود. در تجزیه و تحلیل علت توسل برخی کشورها به جنگ نیابتی به ۲ عامل اشاره می‌شود: دلیل نخست تفاوت قدرت دو کشور است. به عنوان مثال اگر کشور «الف» به طور قابل توجهی قوی‌تر از کشور «ب» باشد، بهترین گزینه کشور «ب» برای مقابله با کشور «الف» توسل به جنگ نیابتی است. دلیل دوم ضرورت حمایت افکار عمومی از جنگ‌ها در سطح بین‌المللی و ترس از واکنش‌های جهانی در صورت ورود مستقیم یک کشور به جنگ با کشور دیگر است (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۴/۰۳/۰۵). در شرایط امروز خاورمیانه، جنگ سوریه را می‌توان نمونه عینی یک جنگ نیابتی دانست، جایی که قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نظیر روسیه و ایران با حمایت از دولت سوریه و عربستان، قطر، ترکیه، آمریکا، انگلستان و فرانسه با حمایت از گروه‌های مختلف شورشی در مقابل یکدیگر قرار گرفته‌اند و سعی در تضعیف غیرمستقیم یکدیگر و حفظ و افزایش دامنه نفوذ خود در این کشور دارند.

## پیشینه روابط ایران و عربستان

### الف) دوران پهلوی

تاریخ روابط ایران و عربستان به دوران پس از ایجاد رژیم آل سعود در سال ۱۹۲۸ برمی‌گردد. ایران در اوایل قرن چهاردهم هجری دچار تحولات سیاسی عمیقی گردید.

تدافعی بر این باور است که آنچه در روابط میان دولت‌ها اهمیت دارد، برداشت آن‌ها از یکدیگر به عنوان تهدید است و نه صرف میزان قدرت هر یک از آنها. دولت‌ها در برابر آن دسته از دولت‌هایی دست به موازنه می‌زنند که تهدیدی فوری نسبت به موجودیت یا منافع آن‌ها باشند (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۱۳۴-۱۳۳). در دوران پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران تا قبل از بهار عربی علیرغم توسعه روابط ایران و عربستان در برخی اوقات رقابت و تقابل وجه جدا ناشدنی روابط طرفین بود، بنابراین روابط ایران و عربستان در این دوران را می‌توان منطبق بر نظریه واقع‌گرایی تدافعی دانست، اما با آغاز وقایع بهار عربی تنش بی‌سابقه در روابط ایران و عربستان به وجود آمد، این تنش حوزه‌های مختلفی چون عراق، بحرین، یمن و سوریه را شامل می‌شد. طی این دوران، تحولات رخ داده در خاورمیانه سبب شده مفهومی به نام جنگ نیابتی<sup>۱</sup> برای تحلیل تحولات این منطقه به کار گرفته شود. در تعریف مفهوم جنگ نیابتی گفته می‌شود که منظور از آن، جنگی میان دو طرف یا بیشتر است که در آن، دست کم یکی از طرف‌ها از سوی یک کشور خارجی حمایت می‌شود و هدف از آن نیز دستیابی به اهداف یا منافع کشور یا کشورهای حامی است.

جنگ نیابتی وضعیتی است که در آن قدرت‌های درگیر به جای اینکه مستقیماً وارد جنگ با یکدیگر شوند با حمایت‌های مالی، تسلیحاتی و تبلیغاتی از کشورها یا گروه‌های مسلح که با قدرت مقابل یا متحدین آن در جنگند، سعی در تضییع آن قدرت یا فشار بر آن می‌نمایند. جنگ نیابتی خالص تقریباً وجود ندارد، زیرا گروه‌هایی که با

<sup>۱</sup> Proxy War

سقوط پادشاه فیصل در عراق زده شد. سقوط پادشاه عراق توسط نیروهای ملی‌گرا باعث نگرانی در سایر رژیم‌های پادشاهی در منطقه شد. در نتیجه محمد رضا پهلوی و پادشاهی عربستان به خصوص پس از به قدرت رسیدن ملک فیصل در عربستان اقدام به رایزنی برای هماهنگی سیاست‌های منطقه‌ای‌شان کردند. در این دوران مجموعه علایق مشترک سیاسی و اقتصادی در زمینه‌های مختلف از جمله مقابله با رژیم‌های سوسیالیست و رادیکال در منطقه و هم چنین ثبات در بازار انرژی باعث نوعی پیوست بین دو کشور تا انقلاب اسلامی در ایران شد (Jahner, 2012: 4). البته در این دوران تنش‌هایی نیز در روابط ایران و عربستان به وجود آمد. یکی از مهم‌ترین دلایلی که بین دو کشور مسئله و مشکل ایجاد می‌نمود، مشکل حاجیانی بود که از طرف ایران به عربستان برای انجام فریضه حج اعزام می‌شدند و وهابی‌ها با برخورد بد با ایرانیان شیعه، دولت ایران را مجبور به ترک ارتباط با سعودی‌ها می‌کردند. این امر منجر به قطع روابط دو کشور به مدت ۴ سال شد تا اینکه در سال ۱۳۲۷ هـ ش با ارسال نامه از طرف پادشاه عربستان روابط طرفین از سر گرفته شد. یکی دیگر از اختلافات ایران و عربستان در دوران حکومت پهلوی، اسرائیل بود. ایران، اسرائیل را به عنوان دوست خود پذیرفته و با این کشور رابطه برقرار نموده بود، اما عربستان در دوران فیصل بن عبدالعزیز به یکی از مخالفان اسرائیل تبدیل شد و به همین جهت در این دوران بین ریاض و تهران بر سر این مسئله اختلاف به وجود آمد. یکی دیگر از موارد مناقشه بین ایران و عربستان، مناقشه بر سر نام خلیج فارس بود. در دوران رضا شاه و محمد رضا شاه

رضاخان که در سال ۱۲۹۹ هـ ش توانسته بود قدرت را به دست بگیرد، در سال ۱۳۰۴ هـ ش سلسله قاجار را منقرض و خود سلطنت را به دست گرفت و سلسله پهلوی را پایه‌ریزی نمود. از طرف دیگر عربستان نیز در همین دوران دچار تحول شد. عبدالعزیز بن عبدالرحمن بن فیصل بن ترکی حکومتی را در نجد پایه‌ریزی کرد و خود را سلطان نجد و ملحق آن نامید، وی همچنین با حمله به حجاز توانست پادشاه حجاز ملک علی را شکست دهد و با سرنگونی دولت هاشمیه (شریف حسین و فرزندانش) تقریباً تمامی عربستان سعودی را تحت سیطره خود در آورد. این حاکمیت جدید در سال ۱۳۵۱ هـ ق برابر با ۱۹۳۲ م، با کامل کردن حکومت سعودی بر کل شبه جزیره، به عنوان پادشاهی عربی سعودی نامگذاری گردید. بنابراین می‌توان گفت در ابتدای قرن چهاردهم هجری شمسی دو حکومت جدید در دو کشور مهم منطقه خلیج فارس به وجود آمدند که اقدام به آغاز روابط با یکدیگر کردند. دولت سعودی برای افزایش ارتباط با ایران، با ارسال تلگراف به پادشاه ایران، سلطنت رضاشاه را به وی تبریک گفت، حکومت ایران نیز در سال ۱۹۲۹ م برابر با ۱۳۰۸ هـ ش دولت حجاز و نجد و ملحقات آن را به رسمیت شناخت و با پیامی از طرف رضاشاه پادشاهی ملک عبدالعزیز را به وی تبریک گفت. روی هم رفته در دوران پهلوی اول روابط ایران و عربستان از ثبات نسبی برخوردار بود و عربستان به علت برتری نسبی ایران در منطقه به دنبال ایجاد رابطه‌ای آرام و بدون مناقشه با این کشور بود. با این وجود دیدار رسمی بین سران دو کشور تا میان دهه ۱۹۶۰ میسر نشد. جرقه برای افزایش روابط دیپلماتیک بین طرفین در سال ۱۹۵۸ و با



دو کشور بزرگ خلیج فارس یعنی ایران و عربستان همکاری و نزدیکی بیشتر را به نفع منافع ملی خود می‌دیدند. در این راستا رهبران جمهوری اسلامی در بیانات خود هر چه بیشتر به تنش‌زدایی روابط ایران و شیوخ منطقه خصوصاً عربستان می‌پرداختند. در دوران سازندگی و اصلاحات ایران و عربستان به سمت کاهش تعارضات حرکت کردند اما سیاست‌های گرایش به آمریکا از سوی عربستان و ادامه سیاست‌های مداخله جویانه به ویژه در خلیج فارس و تلاش برای جایگزین شدن به جای ایران در فروش نفت و وهابی‌گری و مسئله هسته‌ای ایران، باز هم روابط این دو کشور را به تیرگی کشاند (همان، ۲۶). روی کار آمدن دولت نهم در ایران باعث آغاز دور تازه‌ای از رقابت و تنش در روابط طرفین گردید. وقوع بهار عربی و بحران‌های حادث شده ناشی از آن این رقابت را تشدید کرد. با آغاز به کار دولت یازدهم در ایران امید به بهبود روابط بین دو قدرت بزرگ جهان اسلام به وجود آمد، اما این امر با به قدرت رسیدن جناح تندرو و ضد ایرانی در عربستان با آغاز پادشاهی ملک سلمان به محاق رفت به طوری که امروز شاهد پایین‌ترین سطح روابط بین دو طرف از زمان پایان جنگ ایران و عراق هستیم.

### شاخص‌های تأثیرگذار در روابط ایران و عربستان

رقابت بین ایران و عربستان به علت جایگاه این دو کشور در منطقه و جهان اسلام جزء لاینفک روابط آنها بوده است. این رقابت گاه به صورت زیرپوستی و کنترل شده و زمانی به مانند امروز بسیار تند و شدید بوده است. رقابت بین دو کشور در حوزه‌های مختلف جریان داشته است، اما این

رسانه‌های عربستانی و دیگر کشورهای عرب منطقه، گهگاهی نام مجعولی را به جای خلیج فارس در مطالب خود ذکر می‌کردند که با اعتراض ایران مواجه می‌گشت. مسائل دیگر از جمله بحرین نیز بر دامنه اختلافات ایران و عربستان می‌افزود، اما در کل در دوران پهلوی به علت اینکه ایران و عربستان هر دو در حوزه بلوک غرب تعریف می‌شدند دارای روابط نسبتاً دوستانه‌ای با یکدیگر بودند (متقی، ۱۳۹۴: ۲۳).

### ب) دوران پس از انقلاب اسلامی

سیر روابط ایران و عربستان بعد از سقوط حکومت پهلوی فراز و نشیب‌های بسیاری به خود دیده است. با بروز انقلاب اسلامی در ایران و شکل‌گیری اسلام سیاسی شیعی، دو عامل داخلی و خارجی سبب شد تا روابط ایران و عربستان بیش از هر دوره دیگری تنش‌زا شود: ۱- حکومت سیاسی شیعه در ایران، ۲- از دست رفتن حوزه نفوذ آمریکا در ایران و روی آوردن به عربستان. در یک دوره تاریخی و طی جنگ تحمیلی، روابط ایران با کشور عربستان به دلیل پان‌عریسم و حمایت از عراق و همچنین مقابله با انقلاب اسلامی نوپا، تیره بود. در دوران جنگ ۸ ساله جنگ ایران و عراق، عربستان ضمن حمایت از صدام به تقویت هر چه بیشتر نظامی و اقتصادی عراق علیه ایران پرداخت. پس از پایان یافتن جنگ و دوران سازندگی، ثبات و آرامش نسبی در رابطه ایران با عربستان حکمفرما بود. روابط دو کشور با خاتمه جنگ و پذیرش قطعنامه و گذشت یک دهه از انقلاب ایران یک روند منطقی‌تر به خود گرفت، از طرف دیگر به دلیل آنکه عراق پس از جنگ به صورت یک کشور نیرومند و تهدید کننده ثبات و امنیت منطقه در آمده بود،

رقابت را به صورت کلی می‌توان به سه حوزه سیاسی، اقتصادی و مذهبی - ایدئولوژیک تقسیم نمود.

## الف) سیاسی

### ۱- مسئله عراق

تهاجم نظامی آمریکا به عراق و سرنگونی صدام حسین در سال ۲۰۰۳ تأثیر بسیاری بر نظام خاورمیانه گذاشت. با فروپاشی نظم گذشته در عراق هر یک از بازیگران منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای تلاش کردند تا نظم موردنظر خود را در این کشور برقرار سازند. صرف‌نظر از آمریکا به عنوان یک بازیگر قدرتمند فرامنطقه‌ای، ایران و عربستان رقابت جدی جهت شکل‌دهی به روند اوضاع عراق را آغاز کردند به خصوص آن که به رغم حساسیت عربستان، دولتی شیعی قدرت را در عراق به دست گرفت. دولت عربستان از دو جهت از روی کار آمدن دولت شیعی در عراق ناراضی و ناخشنود است. اول اینکه به دلیل نبود ساختارهای دموکراتیک در عربستان، روند اجرا شده دموکراسی در عراق به عنوان نخستین کشور عربی می‌تواند به مثابه الگویی، کشورهای منطقه را تحت تأثیر قرار دهد. از سوی دیگر ماهیت شیعی حکومت عراق از نظر عربستان حائز اهمیت فراوان است. قدرتمند شدن شیعیان در منطقه علاوه بر آنکه موجب کاهش نفوذ عربستان می‌شود زمینه تقویت شیعیان عربستان را فراهم می‌آورد (نادری نسب، ۱۳۸۹: ۲۴). منافع ملی و ژئوپولیتیک ایران و عربستان سعودی حول مسائل عراق بیشتر از منظر و دیدگاه منافع ایدئولوژیک نگرین شده می‌شود. تا جائیکه عربستان سعودی در راستای همکاری بیشتر با آمریکا در زمینه سامان‌دهی سنی‌های عراقی به رقابت شدید با جمهوری اسلامی ایران بر سر شیعیان عراقی

پرداخته است. عراق را می‌توان نقطه حساس سیاست خارجی ایران و عربستان برای کسب تفاهم یا تقابل احتمالی دانست. عراق متمایل به عربستان و اعراب به منزله تنگ‌تر شدن حلقه انزوا علیه ایران و بالعکس، عراق متمایل به ایران به منزله اتحاد ژئوپولیتیک شیعه، بر هم خوردن توازن قدرت در منطقه و خطر گرایش‌های جدایی‌طلبانه از سوی شیعیان عربستان سعودی است (هادیان، ۱۳۸۵: ۱۹). عراق هم به دلایل تاریخی و به خصوص مذهبی از اهمیت بالایی برای ایران برخوردار است. عراق با داشتن بیش از ۶۰ درصد شیعه، دومین بافت جمعیتی شیعه پس از ایران محسوب می‌شود. جمعیت شیعه عراق یک متحد طبیعی و استراتژیک برای ایران محسوب می‌شود. پس از سقوط صدام و با حاکمیت شیعیان در عراق این کشور از یک دشمن استراتژیک تبدیل به یک دوست و همکار منطقه‌ای برای ایران شد. در دوران پس از صدام روابط دو کشور در ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی توسعه چشمگیری پیدا کرده است به طوری که امروز عراق یکی از ۵ شریک اول تجاری ایران محسوب می‌شود (Esfandiary, Tabatabai: 2015). این گسترش مناسبات به هیچ وجه خوشایند عربستان نیست و این کشور از هر حربه‌ای برای تضعیف عراق و کاهش مناسبات دو همسایه شیعی استفاده می‌کند. در این بین یکی از محتمل‌ترین گزینه‌ها برای تضعیف عراق تجزیه این کشور به سه بخش شیعه در جنوب، سنی در مرکز و کردی در شمال است، امری که ایران به شدت با آن مخالف است.



## ۲- پرونده هسته‌ای ایران

پرونده هسته‌ای ایران به عنوان یکی از نگرانی‌های عمده عربستان نقش قابل توجهی در کیفیت روابط ایران و عربستان داشت. این کشور در تمام طول مذاکرات به نحوی از به نتیجه رسیدن آن ابراز نگرانی می‌کرد و خواستار برخورد تند و خشن با ایران بود و از تمام ابزارهای خود برای شکست مذاکرات استفاده می‌کرد. اما با توافق ایران و +۱، عربستان که طرح‌های خود را شکست خورده می‌دید با اکراه آن را پذیرفت به طوری که ملک سلمان پادشاه این کشور ابراز امیدواری کرد که دستیابی به توافق نهایی قدرت‌های جهانی با ایران، موجبات تقویت امنیت و ثبات در منطقه و جهان شود. در این بین عکس‌العمل برخی از چهره‌های معروف عربستان جالب توجه بود و نشان از ناخرسندی عمیق این کشور از حصول این توافق داشت. به عنوان مثال شاهزاده بندر بن سلطان، رئیس سابق دستگاه اطلاعات عربستان سعودی و سفیر اسبق این کشور در آمریکا در واکنش به توافق هسته‌ای ایران و گروه +۱ طی اظهارنظری گفت که این توافق به ایران اجازه دستیابی به بمب هسته‌ای و نابودی منطقه را خواهد داد. بندر بن سلطان در مقاله‌ای که روزنامه انگلیسی زبان دیلی استار چاپ بیروت آن را منتشر کرد، نوشت که پس از توافق صورت گرفته بین ایران و +۱ اعراب از آمریکا دور خواهند شد (خبرگزاری فارس، ۳۰ تیر ۱۳۹۴). در کل می‌توان گفت در دوران بعد از انقلاب اسلامی ۵۷، عربستان از روابط پرچالش ایران با غرب و به خصوص ایالات متحده به عنوان اهرمی در جهت منافع خود استفاده می‌کرده است. به عبارت دیگر می‌توان گفت عربستان در تمام این

دوران یکی از منتفعین تنش در روابط ایران و غرب بوده است، بنابراین بدیهی است با کاهش چالش بین ایران و غرب در نتیجه توافق برجام، عربستان نگران افزایش نقش و نفوذ منطقه‌ای ایران باشد.

## ۳- بهار عربی

۱-۳) بحرین: شبه جزیره عربستان به عنوان محور نخست سیاست خارجی عربستان از اهمیت شایانی برای این کشور برخوردار است. ریاض تهدید علیه این محور نخست را تهدید علیه خود می‌داند و حاضر است برای پیشگیری از آن به جنگ نیز متوسل شود. بحرین با حضور در این شبه جزیره در محور نخست جهان بینی سیاسی سعودی تعریف می‌شود و حفظ امنیت و ثبات آن از اهمیت زیادی برای عربستان برخوردار است. بحرین افزون بر قرار داشتن در محور نخست چیدمان سیاست خارجی عربستان، از جمله کشورهای شورای همکاری است که از نظر امنیتی کاملاً وابسته به عربستان است. علاوه بر این بحرین به صورت دروازه‌ای است که دگرگونی‌های جهان عرب را وارد خلیج فارس می‌سازد، لذا بستن این دروازه برای مصون نگه داشتن محور نخست از نظر ریاض ضروری است. با آغاز ناآرامی‌های ناشی از بهار عربی در کشور شیعی‌نشین بحرین بهترین فرصت برای نفوذ و افزایش هژمونی ایران در منطقه خلیج فارس فراهم آمد، امری که بالتبع بر علیه منافع قدرت‌های منطقه‌ای همچون عربستان است (Ghadah, Alghunaim: 2014). برای ریاض امنیت و ثبات بحرین از جنبه‌های مختلف حائز اهمیت است. پشتیبانی از رژیم بحرین به معنای حمایت از تمام پادشاهی‌های خلیج فارس، فرستادن پیامی روشن به جمعیت شیعی خویش و مهار

میلیارد دلار در نشست وزیران شورا برای کمک به عمان و بحرین در زمینه رویارویی با اعتراض‌های خیابانی تصویب شد. در سیزدهم همان ماه نیز ۱۲۰۰ سرباز عربستانی و ۸۰۰ سرباز اماراتی برای کمک به دولت بحرین در برقراری نظم وارد بحرین شدند. در واقع کشورهای عضو شورا به رهبری عربستان توافق کرده‌اند که باید راه پیروزی را بر هر خیزش عمومی در منطقه خلیج فارس بست. انگیزه آنها، جلوگیری از کشیده شدن ناآرامی‌ها به درون کشورهای عضو شورا و همچنین رویارویی با نفوذ ایران در منطقه است. واکنش قاطع عربستان به رویدادها در بحرین، نگرانی ژرف عربستان از تغییر رژیم در بحرین را نشان می‌داد. موفقیت قیام بحرین از یک سو خطری بزرگ برای بقای عربستان ایجاد می‌کرد و از سوی دیگر توازن منطقه‌ای در خلیج فارس را به زیان ریاض و به سود ایران بر هم می‌زد (محمدیان، ۱۳۹۵: ۱۰).

۲-۳) یمن: یمن در نگاه استراتژیک عربستان، از جایگاه برجسته‌ای در مجاورت این کشور برخوردار است. موقعیت جغرافیایی یمن و نوع رابطه آن با عربستان در دهه‌ها و سال‌های گذشته، این کشور را از نظر اثرگذاری بر امنیت ملی عربستان در سطح کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قرار می‌دهد. وجود مرز مشترک به طول ۱۸۰۰ کیلومتر با درصد بالای نفوذپذیری عربستان را وادار کرده برای تضمین اقتدار و امنیت‌اش با سرمایه‌گذاری در یمن به دنبال بالا بردن شرایط اقتصادی این کشور باشد (Tali, 2016: R). در واقع یمن، با توجه به جمعیت و پتانسیل‌های موجود، بزرگ‌ترین رقیب عربستان در شبه جزیره و نیز بزرگ‌ترین تهدید بالقوه در برابر جایگاه

نفوذ ایران در خلیج فارس می‌باشد. پس از آغاز بحران در بحرین و بی‌ثمر ماندن مشوق‌های شورای همکاری برای رفع این بحران و ساکت کردن معترضان، عربستان مداخله در چارچوب نهادی شورا را آغاز و هم‌زمان ادعای تهدید ایران علیه بحرین را مطرح کرد. نیروهای عربستان و امارات، زیر چتر شورای همکاری خلیج فارس، وارد بحرین شده و به سرکوب معترضان پرداختند. در این میان سعودی‌ها با تکیه بر رسانه‌های منطقه‌ای خویش و در راستای توجیه مداخله خود، بحرین را مورد تهدید مداخله ایران نشان دادند و ورود نیروهای خود به بحرین را بر این مبنا توجیه کردند. تحرک سعودی‌ها در بحرین و مطرح ساختن تهدید ایران و مقابله با معترضان و مخالفان بحرینی را می‌توان در چارچوب استراتژی این کشور تبیین کرد. پرداخت کمک‌های مالی و سپس سرکوب، متحول ساختن تمرکز بر مطالبات معترضان به تهدید خارجی و مقاومت حداکثری در برابر فشارهای خارجی برای انجام اصلاحات و وادار ساختن کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به همراهی با استراتژی عربستان، جملگی از اجزای استراتژی نوظهور عربستان سعودی است (احمدیان و زارع، ۱۳۹۰: ۵۴). از آنجا که اعتراض‌ها همخوان با شیوه قدیمی منازعه میان شیعی و سنی بود، عربستان توانست هوادارانش را در برابر دشمن سنتی خود گرد آورد. بدین‌سان همه کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، عربستان را در بحران بحرین همراهی کردند. در برابر رویدادها در بحرین، شورای همکاری خلیج فارس دست به دو کار زد: یکی پشتیبانی مالی و اقتصادی از رژیم آل خلیفه و دوم مداخله نظامی مستقیم در بحرین. در مارس ۲۰۱۱ طرحی به ارزش ۲۰



راهبردی باب المندب، به عنوان یکی از مهم‌ترین مسیرهای انتقال انرژی در جهان و رگ حیاتی کشتی‌رانی در کانال سوئز، در کنار تسلط بر بندر الحدیده می‌تواند حاکمیت متحدان منطقه‌ای ایران را تقویت کرده و تردد دریایی از کانال سوئز و خلیج فارس را به کنترل درآورد که این موضوع چشم‌اندازی هشدار دهنده برای عربستان است. در مجموع تقسیم یمن بین شیعیان و سنی‌ها زمینه کشمکش جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی را برای افزایش نفوذ منطقه‌ای ایجاد کرده است. رقابت دو قدرت منطقه‌ای یعنی ایران و عربستان در یمن، رقابتی ژئوپلیتیکی برای افزایش نفوذ است که بعدی مذهبی به خود گرفته است. با توجه به اختلافات گسترده سرزمینی عربستان با یمن و نفوذ سیاسی و ایدئولوژیکی ایران بر حوثی‌ها، رشد شیعیان یمن برای پادشاهی سعودی تبعات ناخوشایند امنیتی خواهد داشت. از چشم‌انداز عربستان، رشد شیعیان در یمن به هزینه عربستان بر منافع امنیتی ایران خواهد افزود (نجات و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹).

**۳-۳) سوریه:** کشور سوریه قسمتی از سرزمین بزرگ شام است که با کشورهای لبنان، قبرس، فلسطین اشغالی، اردن، عراق و ترکیه هم مرز است. سوریه را می‌توان یک بازیگر ژئوپلیتیک محور دانست که با سه عامل واقع شدن در منطقه استراتژیک خاورمیانه، قرار گرفتن بر کناره شرقی دریای مهم مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل با کشورهای حاشیه این منطقه ارتباط دارد. سوریه از اهمیت بالایی برای ایران برخوردار است. به منظور درک بهتر این امر باید به اتحاد استراتژیک سوریه با ایران اشاره داشت. این کشور با همراهی با سیاست‌های منطقه‌ای ایران به

عربستان در این زیر منطقه به حساب می‌آید. آغاز بحران یمن نگرانی‌های گسترده‌ای را در عربستان برانگیخت. سعودی‌ها که به تازگی بزرگ‌ترین متحد خود در خاورمیانه (مصر) را از دست داده بودند، با خطر دیگری در مرزهای جنوبی خود روبرو شدند. این امر زمانی برای سعودی‌ها از حساسیت بیشتری برخوردار شد که یکی از طرف‌های موثر در بحران یمن را گروهی شیعی به نام انصار الله تشکیل می‌داد. اما با این وجود بحران یمن دارای شرایط متفاوت با بحران بحرین بود. در یمن بر خلاف بحرین، معترضان از تمامی اقشار، مذاهب و طبقات اجتماعی بودند، حال آنکه در بحرین اکثریت شیعیان تحت تبعیض، اعتراضات را پیش می‌بردند و اهل سنت این کشور رابطه خوبی با رژیم آل خلیفه داشتند. در چنین فضایی، علیرغم اینکه عربستان می‌داند حرکت حوثی‌ها ریشه در ساختار سیاسی-اجتماعی و قومی-قبیله‌ای یمن دارد و حرکتی کاملاً خودجوش و در راستای احقاق حقوق از دست رفته شیعیان است، اما این کشور قدرت‌گیری شیعیان زیدی در یمن را به مثابه افزایش قدرت منطقه‌ای ایران تعبیر می‌کند و خود را در محاصره شیعیان می‌بیند، به همین دلیل به یمن حمله کرد. حضور شیعیان زیدی در درون جامعه یمن که در حدود یک سوم از ترکیب جمعیتی ۲۵ میلیون نفری این کشور را تشکیل می‌دهند، از جمله مهم‌ترین فرصت‌ها در جهت منافع ملی ایران است. شرایط و تحولات اخیر نیز نشان می‌دهند که جایگاه این گروه، که بزرگ‌ترین اقلیت در یمن هستند، در معادلات سیاسی آتی در این کشور پررنگ‌تر خواهد شد. موقعیت گسترش نفوذ جنبش انصارالله و شیعیان الحوثی در یمن و تسلط بیشتر بر تنگه

اعمال نقشی فعال به عنوان رهبر جهان اسلام و افزایش نفوذ خود در منطقه قابل تفسیر است. بنابراین می‌توان گفت عربستان بحران سوریه را از دریچه رقابت با ایران می‌بیند و در واقع برای کاهش نفوذ ایران در منطقه در مقابل نظام اسد گام بر می‌دارد. عربستان تلاش می‌کند که با استفاده از بحران کنونی، سوریه را به طرف دوری از تهران و در نتیجه خارج کردن از صف متحدان منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران هدایت کند. این تلاش می‌تواند در محور جمهوری اسلامی ایران، سوریه، حزب الله و حماس در منطقه اخلاص ایجاد نماید و موازنه منطقه‌ای را به ضرر جمهوری اسلامی ایران در منطقه تغییر دهد (نیاکوئی و ستوده، ۱۳۹۴: ۳۷). لذا عربستان با تلاش برای تغییر رژیم در سوریه، تغییر استراتژی خود در قبال منطقه و رقابتش با ایران، شروع کننده جنگ نیابتی تمام عیار در تحولات این کشور شد (کوهکن و تجری، پیشین: ۱۹).

### ب) اقتصادی

عربستان با در اختیار داشتن ۲۲ درصد از ذخایر نفتی بزرگترین منبع این ماده حیاتی در دنیا است. این کشور همچنین با تولید بیش از ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز بیش از ۱۲ درصد نفت جهان را تأمین می‌کند (ملکی، ۱۳۸۵: ۳۵). عربستان سعودی با تولید روزانه ۱۰ میلیون بشکه نفت در روز به عنوان یکی از بزرگترین صادر کننده‌های نفت در جهان شناخته می‌شود و البته تنها کشوری هم هست که می‌تواند با افزایش سریع تولید نفت خود مانع افزایش ناگهانی قیمت نفت شود. در دوران موسوم به بهار عربی و افزایش تنش با ایران، عربستان به دنبال استفاده از عامل انرژی در جهت ضربه زدن به ایران

نوعی باعث افزایش نفوذ این کشور در منطقه شده است. سوریه از اولین کشورهایی بود که دولت جمهوری اسلامی ایران را پس از انقلاب به رسمیت شناخت و از محدود کشورهای عربی نیز بود که از ایران در جنگ ۸ ساله این کشور علیه عراق حمایت نمود. بعد دیگر اهمیت سوریه برای ایران، اتخاذ سیاست‌های مقابله‌جویانه این کشور در برابر رژیم اسرائیل است که از لحاظ راهبردی دولت سوریه را در کنار ایران، حزب الله و حماس، جزئی از محور مقاومت قرار داده است. این کشور به عنوان پل ارتباطی با حزب الله نقش مهمی برای تقویت جبهه مقاومت در منطقه دارد. دمشق امن‌ترین موقعیت استراتژیک را در روابط بین اعراب و اسرائیل داراست و این امر باعث تقویت مقاومت حزب الله در برابر رژیم صهیونیستی شده و از سوی دیگر با تمایل بیشتر این کشور به ایران به لحاظ سیاست‌های منطقه‌ای جهان عرب، نفوذ ایران در منطقه تقویت شده است که این امر خوشایند عربستان نیست (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳: ۱۷). سوریه متحد استراتژیک ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی بوده است به طوری که تحلیل‌گران معتقدند سقوط اسد نه تنها باعث می‌شود ایران یکی از مهم‌ترین متحدان منطقه‌ای خود را از دست بدهد، بلکه باعث از دست رفتن بخشی از توانایی اعمال نفوذ ایران در منازعات اعراب-اسرائیل، فلسطین و متحدان خود در لبنان و به خصوص گروه حزب الله می‌شود. دولت عربستان با نیل به این موضوع اقدام به دخالت در سوریه کرده است. در واقع بحران سوریه برای عربستان به صورت مستقیم موضوع امنیتی تلقی نمی‌شود و اقدام عربستان در حمایت از معارضان سوری در جهت کاهش نفوذ ایران در منطقه و



صورت تحریم نفتی ایران، نفت آنها را تأمین خواهد کرد (کرمی، ۱۳۹۱/۱۰/۰۴).

### پ) مذهبی و ایدئولوژیک

از علل تضادهای همیشگی ایران و عربستان، شکاف عمیق بین مکتب وهابی و مکتب شیعی است. وهابیت و شیعه دارای نگرش‌های بسیار متفاوت در زمینه‌های سیاسی، مذهبی، اجتماعی و ... هستند. مسئولین و جناح‌های حاکم بر عربستان همگی در مورد تبلیغ و رواج وهابیت در داخل و خارج کشور خود توافق دارند این رژیم به واسطه درآمدهای نفتی پول‌های هنگفتی را خرج رواج این ایدئولوژی که چهره‌ای محافظه کار از اسلام ارائه می‌دهد، می‌نماید. امروزه رژیم عربستان تبلیغ وهابیت را با شدت در جهان اسلام، خصوصاً در کشورهای مسلمان آفریقایی، پاکستان، آسیای میانه و حتی مناطق جنوب شرقی ایران دنبال می‌کند. حمایت عربستان از تفکر سلفی‌گری را می‌توان به ۲ بخش تقسیم کرد: بخش اول، حمایت مستمر و متوازن از سلفی‌گری میانه‌رو است که از طریق مراکز رسمی و دانشگاه‌ها، مساجد و مدارس مذهبی و ابلاغ و اعزام مفتی‌ها و مبلغین مذهبی صورت می‌گیرد. بخش دوم، حمایت نامستمر یا بخشی و نامتوازن عربستان از گروه‌های رادیکال یا سلفی‌گری تکفیری است که با توجه به سطح و دامنه بحران از طریق سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی و برخی واسطه‌ها و وابسته‌های نفوذی در منطقه صورت می‌گیرد که در این میان هدف عربستان نه رشد این گروه‌ها، بلکه منافع حاصل از فعالیت این گروه‌ها می‌باشد. امروزه نمونه این گروه‌ها القاعده و داعش هستند که مناطقی از عراق و سوریه را نیز در اشغال خود دارند

بود. بر اساس این طرح، عربستان به دنبال آن است تا در دوران تحریم ایران با تولید بیشتر جای خالی نفت ایران را پر کرده و از تأثیر آن بر بازار جهانی بکاهد. آنچه که نقش عربستان را در این سیاست برجسته ساخته است، مواضع اخیر عربستان و تمایل این کشور در همراهی با غرب برای فشار بر ایران می‌باشد، امری که با تحلیل‌های موجود و واقعیت‌هایی که در منطقه و به خصوص در حوزه پیرامونی عربستان رخ داد، بیش از پیش این گزاره را تصدیق می‌کند. عربستان دلایل مختلفی را برای کاهش قیمت نفت دارد و آن چیزی است که آمریکا و دیگر کشورهای غربی خواستار آن هستند. یکی از این مسائل این است که کاهش قیمت نفت از سوی ریاض به عنوان راهی برای افزایش فشار اقتصادی بر جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. علاوه بر این، مقامات سعودی ظاهراً امیدوار بودند که با ترغیب اوپک به افزایش میزان تولید خود تهران را از مقام دومی پس از عربستان سعودی در تولید نفت پایین بکشند. بنابراین اگر اوپک تصمیم به افزایش سهمیه اعضای خود بگیرد عربستان سعودی و متحدانش می‌توانند این افزایش تولید را در میان اعضای دیگر تقسیم کنند. با تحلیل آنچه که مطرح گردید، نقش عربستان در سیاست تحریم نفتی ایران کاملاً مشخص است، هر چند که مقامات سعودی معتقدند که این افزایش تولید برای جبران کسری نفت در بازار است و نه سیاست تقابلی با ایران. عربستان سعودی بارها به روشنی اعلام کرده است که در صورت هرگونه کاهش صادرات از سوی ایران، منابع کافی نفت را روانه بازار خواهد کرد. عربستان همچنین به دنبال این بود که به کشورهایی که از ایران نفت وارد می‌کنند، اطمینان دهد در

### نتیجه‌گیری

ایران و عربستان با توجه به ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، دارا بودن ذخایر عظیم انرژی و رهبری دو مذهب اصلی در دین اسلام از جایگاه ویژه‌ای در منطقه خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار هستند. همین عوامل باعث شده عربستان و ایران همواره به عنوان دو رقیب منطقه‌ای قلمداد شوند و خاورمیانه، خلیج فارس و جهان اسلام را می‌توان حوزه‌های رقابت این دو قدرت بزرگ منطقه‌ای در نظر گرفت. در دوران پهلوی رقابت بین دو کشور بیشتر پیرامون مسائلی از قبیل سیادت بر خلیج فارس و تعیین قیمت نفت بود اما در مجموع از آنجا که دو کشور در مجموعه بلوک غرب تعریف می‌شدند روابطی توأمان با همکاری و رقابت داشتند. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران که با الهام از مکتب شیعه و رویکردی ضدغربی صورت گرفته بود باعث تنش در روابط ایران و عربستان گردید که این تنش در دوران جنگ ایران و عراق به اوج خود رسید. با پایان جنگ ۸ ساله دوره‌ای از تعامل بین طرفین ایجاد شد، اما با شروع انقلاب‌های عربی موسوم به بهار عربی تنش بین ایران و عربستان مجدداً آغاز شد، تنشی که می‌توان آن را در دوران روابط دو کشور بی‌سابقه ارزیابی کرد. تنش و رقابت بین ایران و عربستان در دوره فعلی را می‌توان در سه زمینه سیاسی، اقتصادی و مذهبی - ایدئولوژیک تقسیم‌بندی نمود. در زمینه سیاسی مهم‌ترین عرصه رقابت و تعارض بین طرفین را می‌توان در سه حوزه نفوذ در عراق در دوره پس از سقوط صدام، رقابت در برخی کشورهای عربی پس از انقلاب‌های حادث شده در این کشورها و همچنین پرونده هسته‌ای ایران مشاهده نمود. در زمینه اقتصادی رقابت دو طرف چون گذشته در

(کرمی، ۱۳۹۳/۰۲/۰۲). هدف این گروه‌ها بازگشت به اصول بنیادین دین است و از اینرو واپسگرا و ارتجاعی در عقیده و اندیشه هستند. بنیادگرایان معتقدند دستورات اخلاقی و اعتقادی خاصی که از متون مقدس گرفته شده باید در تمام خواسته‌های جمعی آشکارا مورد قبول قرار گیرد و شرعاً باید اجرا شود (حقیقت، ۱۳۹۲). بنیادگرایی اسلامی با رویکردی رادیکال و خشن به عنوان تهدیدی جدید برای جهان مدرن محسوب می‌شود به طوری که برخی سیاستمداران و صاحب‌نظران غربی بر این اعتقادند که جنگ بین غرب و کمونیسم هم اکنون با جنگ بین غرب و بنیادگرایی اسلامی جایگزین شده است (Chang, 2005: 1). امروزه ایدئولوژی دولت اسلامی یا داعش را می‌توان یکی از نسخه‌های بی‌بدیل خشونت در دیدگاه سلفیسم دانست. دیدگاهی که از ابزارهای خشن برای ساخت جامعه ایده‌آل خود استفاده می‌کند. این گروه با برداشت خاص از زندگی در عصر اولیه ظهور اسلام بر مبانی و راه و روش پیروان اولیه این دین یا همان صحابه تأکید دارد (E. humud & M. blanchad, 2016: 13). مبانی فکری این گروه‌ها مبنی بر بازگشت به سلف صالح و سیری است که ابن‌حنبل، ابن‌تیمیه، ابن‌عبدالوهاب و رشید رضا را در برمی‌گیرد. برای ایران داعش تهدیدی متفاوت از سایر گروه‌های سنی در مرزهای این کشور است. برخلاف سایر گروه‌ها و سازمان‌های تروریستی که در کشورهای همسایه ایران فعالیت می‌کنند هدف داعش فراتر از تجزیه طلبی و مسائلی از این قبیل است، داعش به دنبال نابودی شیعه و ایجاد دولتی اسلامی منطبق بر برداشتی رادیکال از قوانین شریعت است (Esfandiary & Tabatabai, Ibid: 75).



۳- دیپلماسی ایرانی (۱۳۹۴)، «دلیل توسل به جنگ نیابتی علیه ایران در منطقه چیست؟»، بازیابی شده در ۳ آبان ۱۳۹۵، از: <http://www.irdiplomacy.ir/fa/page/1948112/.html>

۴- کرمی، کامران (۱۳۹۳)، «رویکرد نامتوازن عربستان در حمایت از بنیاد گرای رادیکال»، بازیابی شده در تاریخ ۲ اردیبهشت ۱۳۹۵، از: <http://peace-ipsc.org/fa>

۵- کرمی، کامران (۱۳۹۱)، «نقش عربستان سعودی در سیاست تحریم نفتی ایران»، بازیابی شده در تاریخ ۴ تیر ۱۳۹۵، از: <http://peace-ipsc.org/fa>

۶- کوهکن، علیرضا و تجری، سعید (۱۳۹۳)، «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴)»، فصلنامه پژوهش راهبردی سیاست، دوره سوم، شماره دهم، ۱۱-۱۳.

۷- متقی، افشین (۱۳۹۴)، «واکاوی زمینه‌های ناسازواری در روابط ایران و عربستان بر پایه نظریه سازه‌نگاری»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره سوم، شماره دوازدهم، ۶-۸.

۸- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

۹- محمدیان، محمد (۱۳۹۵)، «ناهمخوانیها در سیاست خارجی عربستان: چشم‌انداز جایگاه منطقه‌ای»، مجله سیاسی - اقتصادی، دوره ۱۰.

۱۰- ملکی، عباس (۱۳۸۵)، «روابط با عربستان در بوته‌ی تحلیل و نقد»، مجله راهبرد، دوره دوم، شماره ششم.

۱۱- نادری نسب، پرویز (۱۳۸۹)، «چالش‌های روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان در منطقه»، فصلنامه سیاست، دوره چهارم، شماره اول.

۱۲- نجات، سید علی و همکاران (۱۳۹۵)، «راهبرد عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران یمن»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، دوره نهم، شماره سی و سوم.

۱۳- نیاکوئی، سید امیر و ستوده، علی اصغر (۱۳۹۴)، «ماهیت راهبرد عربستان سعودی علیه انقلاب اسلامی در منازعات سوریه و عراق»، فصلنامه پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره چهارم، شماره هفدهم.

عرصه نفت و تلاش برای تعیین سقف تولید و قیمت آن می‌باشد. سومین عرصه رقابت بین طرفین را می‌توان در حوزه ایدئولوژیک- مذهبی مشاهده نمود جایی که ایران و عربستان به نوعی سردمدار دو طیف مهم دین اسلام مطرح می‌باشند. در مجموع می‌توان گفت رقابت جزء لاینفک تاریخ روابط ایران و عربستان بوده است اما پس از انقلاب اسلامی و با افزوده شدن بحث ایدئولوژی و مذهب، جنس این رقابت نسبت به گذشته فرق کرده به طوری که در سال‌های اخیر و به ویژه در دوره پس از سقوط صدام و بهار عربی این عامل تبدیل به متغیر اصلی در روابط دو طرف شده است و همین امر چشم‌انداز آینده روابط دو کشور را مبهم ساخته است به گونه‌ای که به نظر می‌رسد دو قطبی ایجاد شده در دوران پس از بهار عربی بین دو محور به رهبری ایران و عربستان به علت برخی ویژگی‌های سیاسی و به خصوص ایدئولوژیک آن در کوتاه مدت حل نخواهد شد، اما می‌توان امیدوار بود در بلند مدت و با اثبات خطر حمایت از گروه‌های بنیادگرا برای حامیان آن‌ها شاهد اتخاذ رویکردی مشابه در قبال این گروه‌ها باشیم. امری که می‌تواند نزدیکی مواضع قطب‌های متخاصم در خاورمیانه را نیز به دنبال داشته باشد.

## فهرست منابع

### فارسی:

۱- احمدیان، حسن و زارع، محمد (۱۳۹۰)، «استراتژی عربستان در برابر خیزش‌های جهان عرب»، فصلنامه سیاستگذاری، دوره دوم، شماره دوم.

۲- حقیقت، سید صادق (۱۳۹۲)، «ظهور بنیادگرایی»، ماهنامه مهرنامه، دوره ۳.



East, p. 81. Retrieved 2016 October 25. From: [http://nsuworks.nova.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1018&context=shss\\_dcar\\_etd](http://nsuworks.nova.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1018&context=shss_dcar_etd).

7-Grumet, Tali R. (2015). *New Middle East Cold War: Saudi Arabia and Iran's Rivalry*. p. 102. Retrieved 2016 October 20. From: <http://digitalcommons.du.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2027&context=etd>.

۱۴- هادیان، حمید (۱۳۸۵)، «کاوشی در روابط ایران و عربستان سعودی»، *مجله راهبرد*، شماره سی و نهم.

۱۵- خبرگزاری فارس (۱۳۹۴)، «بندر بن سلطان: قدرت‌های منطقه آماده‌اند پس از توافق هسته‌ای، بدون کمک آمریکا به ایران حمله کنند»، بازیابی شده در ۲۰ اسفند ۱۳۹۴، از:

<http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13940430001422>

#### لاتین:

1- M. Blanchard, Christopher and E. Humud, Carla. (25 March 2016). *The Islamic State and U.S. Policy*. *Congressional Research Service*. <https://fas.org/sgp/crs/mideast/R43612.pdf>.

2-Chang, Byung-Ock. (2005). Islamic Fundamentalism, Jihad, and Terrorism. *Journal of International Development and Cooperation*. Vol. 11. No. 1. p. 1. Retrieved 2016 March 18. From: [https://ir.lib.hiroshimau.ac.jp/files/public/14431/20141016121323265496/JIDC\\_11\\_01\\_04\\_Chang.pdf](https://ir.lib.hiroshimau.ac.jp/files/public/14431/20141016121323265496/JIDC_11_01_04_Chang.pdf).

3-Esfandiary, Dina & Tabatabai, Ariane. (2015). Iran's ISIS policy. *International Affairs*, Vol. 91, No. 1. pp. 1- 4. Retrieved 2016 March. 12, from: [https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field\\_publication\\_docs/INTA91\\_1\\_01\\_Esfandiary\\_Tabatabai.pdf](https://www.chathamhouse.org/sites/files/chathamhouse/field/field_publication_docs/INTA91_1_01_Esfandiary_Tabatabai.pdf).

4-DaZI- Heni, Fatiha. (2014). Saudi Leadership in a Chaotic Middle Eastern Context, p. 4. Retrieved 2016 October. 27. From: [http://www.ispionline.it/sites/default/files/pubblcazioni/analysis\\_279\\_2014.pdf](http://www.ispionline.it/sites/default/files/pubblcazioni/analysis_279_2014.pdf).

5-Jahner, Ariel. (2012). Saudi Arabia and Iran: the Struggle for Power and Influence in the Gulf. *International Affairs*. Review Vol 20, No. 3. p. 4. Retrieved 2016, November. 19, from <http://www.iar-gwu.org/sites/default/files/articlepdfs/Saudi%20Arabia%20and%20Iran.pdf>.

6-Alghunaim, Ghadah (2014). Conflict Between Saudi Arabia and Iran: An Examination of Critical Factors Inhibiting their Positive Roles in the Middle